

فصلنامه آینده پژوهی شهری

دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱

صص: ۹۳-۱۱۲

بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر مشارکت شهروندان در بازسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی گرگان- گنبد)

حسن میرحسینی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

ابوالقاسم حیدرآبادی، استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

سیف الله فرزانه، استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

چکیده

مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده تحت تاثیر عوامل مختلفی است که سرمایه فرهنگی یکی از مهم‌ترین نیازهای آن است. سرمایه فرهنگی؛ مفهومی نوین است که طی دو دهه اخیر توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. این سرمایه ممکن است کارکرد و پیامدهای متنوعی داشته باشد. بطور کلی به سرمایه فرهنگی بعنوان یک خیر جمعی نگریسته می‌شود؛ زیرا سرمایه فرهنگی بعنوان محصول روابط اجتماعی و فرهنگی به سود به وجود آورنده است و هم به سود دیگران. به این ترتیب نمی‌توان امتیاز سرمایه فرهنگی را محدود کرد. مشارکت در نوسازی بافت فرسوده تحت تاثیر عوامل مختلفی است که سرمایه فرهنگی یکی از مهم‌ترین پیش نیاز آن است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده گرگان- گنبد انجام شده به دنبال پاسخ به این سوال است علی‌رغم تاکید بر مشارکت در برنامه‌های نوسازی؛ آیا این مشارکت در بافت مورد نظر ضعیف است؟ چارچوب نظری تحقیق عمدتاً مبتنی بر نظریات پاتنام؛ کلمن و بوردیو است. روش انجام پژوهش؛ پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و حجم نمونه ۳۸۲ نفر از ساکنین بافت فرسوده می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی بر مشارکت ساکنین در پروژه‌های نوسازی تاثیر مثبت داشته است. شاخص سرمایه فرهنگی عینیت یافته؛ سرمایه فرهنگی نهادینه شده؛ سرمایه فرهنگی تجسم یافته که تبدیل به مولفه‌های شدند؛ بیشترین تاثیر را بر مشارکت ساکنین در بازسازی بافت فرسوده داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مشارکت شهروندان، بافت فرسوده، گرگان.

DOI: 10.30495/uf.2023.1972289.1055

مقدمه

کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه؛ دربره ای از زمان پدید آمده افزایش جمعیت شهرنشینی مواجه بوده و یا خواهند بود. کشورهای در حال توسعه که غالباً در دهه های اخیر با این پدیده روبرو شده اند با مشکلات بیشتری در این عرصه مواجه هستند. همگام با افزایش جمعیت شهرنشینی و تمرکز صنایع سرمایه ها؛ امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلانشهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران ناپذیری برای بشر پدید آمده است (موسوی و باقری کشکولی؛ ۱۳۹۱: ۹۶) چراکه از یک سو نرخ شهرنشینی در آنها بیشتر از نرخ شهرنشینی کشورهای توسعه یافته - در دوران اوج شهرنشینی - است و از سوی دیگر اکثر قریب به اتفاق چنین کشورهایی با کمبود شدید منابع مالی مواجهند این امر با وجود هزینه بر بودن طرح های معمول توسعه شهری نظیر پروژه های نوسازی بهسازی بافت های فرسوده - این کشورها را با معضل اساسی مواجه کرده است. از مهم ترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی در کنار عدم تامین زیرساخت های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها؛ بوجود آمدن بافت های فرسوده درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی؛ فرهنگی و اقتصادی را بدنبال داشته است.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه از اوایل قرن بیستم بصورت سازمان یافته در معرض پدیده های نوسازی غرب قرار گرفته است؛ طی دهه های گذشته به شدت متاثر از روند شهرنشینی بوده و به نوعی عدم تعادل در حوزه های جمعیتی و اقتصادی را دچار شده است (فتحی و نوابخش ۱۳۹۳: ۱) امروزه شهرنشینی در ایران با مسایل مختلف اجتماعی؛ اقتصادی؛ فرهنگی و زیست محیطی روبروست که یکی از مهم ترین آنها؛ پیدایش و گسترش بافت های فرسوده شهری است. بافت فرسوده بخش قابل توجهی از پهنه شهرهای کشورمان را تشکیل می دهد؛ به گونه ای که بر اساس آمارهای اعلام شده توسط وزارت مسکن مساحت این بافت ها ۱۳۰ هزار هکتار اعلام شده که یک سوم جمعیت شهری را در خود جای داده است بافت های فرسوده علیرغم دارا بودن آرامش های فرهنگی؛ اجتماعی و اقتصادی از لحاظ کالبدی بدلیل تراکم زیاد جمعیت و مشکلاتی از قبیل فرسودگی؛ مشکلات زیست محیطی؛ مسایل اجتماعی و..... از گستره حیات شهری خارج و به بخش های مسعله دار شهرها تبدیل شدند. این بافت ها علاوه بر مشکلات و مسایل کالبدی و زیست محیطی فضاهای شهری را هم دچار تنزل نموده و حضور انسان را در فضاهای شهری را با معضلاتی روبرو می سازد. اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی و انتخاب نوع مناسب و متناسبی از مداخله در اینگونه بافت ها به ارتقا کیفیت فضاهای شهری در این بافت ها منجر می شود برای بازگرداندن هویت و حیات شهری به آنها ضروری است. پرواضح است اتخاذ تصمیمات درست در انتخاب نوع مناسب مداخله منوط به بهره گیری از راهبرد برنامه ریزی مشارکتی است. برنامه ریزی مشارکتی بر نقش مردم و اجتماعات آنها تاکید می کند و مردم را در تصمیم گیری در زمینه توسعه و خدمات شهری شریک می سازد (حبیبی رضوانی ۱۳۸۴: ۵)

شهرها به عنوان مترکم ترین و بزرگترین سکونتگاه های انسانی، دربرگیرنده طیف وسیعی از فعالیت های بشری هستند که بعد از دوره انقلاب صنعتی به طور بی سابقه ای در معرض تغییرات گسترده در محیط فیزیکی و به تبع آن در ساختار اجتماعی قرار گرفته اند (Beumer, 2010). نوسازی شهری به عنوان یکی از راهکارهای تدبیری

در مواجهه با فرسودگی پهنه بافت‌های فرسوده می‌باشد که در پی نگاه صرفاً کالبدی، نتایج کمابیش مشابه با سایر طرح‌های توسعه شهری را حاصل می‌نماید. بر این اساس سرمایه اجتماعی با شامل شدن ارزش‌هایی چون اعتماد و مشارکت و همبستگی در پهنه سکونت، مفهومی است که در فرآیند نوسازی شهری در دهه‌های اخیر اهمیتی ویژه یافته است (جهان شاهی ۱۳۸۲: ۲۲).

بافت‌های قدیمی در اکثر شهرها به مرور زمان و در اثر تحولات جدید، عملکرد گذشته خود را از دست داده و رفته‌رفته رو به اضمحلال گذارده و امروزه به عنوان بزرگ‌ترین معضل و عدم امنیت در شهرها مطرح هستند. یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش افراد جامعه، در تمام ابعاد مختلف توسعه است. به نظر می‌رسد که مشارکت، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای سرمایه فرهنگی وابسته می‌باشد (عندلیب ۱۳۸۷: ۳۶).

توسعه اقتصادی ایران همانند سایر کشورهای جهان سوم با رشد شتابان جمعیت شهری همراه بوده است. این رشد شتابان با گسترش بی‌رویه کالبدی و استقرار نامتعادل جمعیت در مراکز شهری به خصوص در بافت‌های فرسوده همراه بوده است (نوابخش، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۹). امروزه بافت‌های فرسوده، بخش قابل توجهی از پهنه شهرهای کشورمان را تشکیل می‌دهند که به دلیل دارا بودن معضلات خاص، از گستره حیات شهری خارج و به بخش‌های مسأله‌دار شهرها تبدیل شده‌اند. این بافت‌ها علاوه بر مشکلات و مسائل کالبدی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، فضاهای شهری را هم دچار تنزل نموده و حضور انسان در فضاهای شهری را با معضل روبه‌رو ساخته‌اند. اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی و انتخاب نوع مناسب و متناسبی از مداخله در اینگونه بافت‌ها که به ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در این بافت‌ها منجر می‌شود، برای بازگرداندن هویت و حیات شهری به آنها ضروری است؛ بنابراین نوسازی با هدف نوکردن و رونق بخشیدن به کالبد بافت و عناصر درونی و تقویت و گسترش جنبه‌های مثبت و از بین بردن جنبه‌های منفی حیات در بافت‌های فرسوده است (رهنما: ۷۶-۷۷).

در این میان استان گلستان، بیست و یکمین استان کشور با مساحت ۲۰۳۶۷ هکتار براساس سند مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی ایران ۲۰۲۸ هکتار بافت فرسوده شناسایی شده است که ۹۷۲ هکتار در شهرهای گرگان و گنبد می‌باشد (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۲) که نوسازی آن صرف هزینه‌ای هنگفت را طلب می‌کند. با توجه به این مسأله، تنها با استفاده از منابع مالی دولتی نمی‌توان به بازسازی بافت‌های مذکور امید بست، بلکه مشارکت بخش خصوصی را نیز می‌طلبید. امروزه اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار شهری بر کسی پوشیده نیست، به گونه‌ای که برای رسیدن به الگوی توسعه پایدار، مشارکت مردم راهکار اصلی و محوری به شمار می‌رود. از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را سازوکاری برای توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادینه‌سازی آن به سقوط و انقراض نظام اجتماعی می‌انجامد (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۳).

در استان گلستان به دلیل نبود دیدگاه‌های روشن در خصوص اهداف سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی و قانونی در زمینه مداخله و ساماندهی و همچنین یکسویه بودن طرح‌های ارائه شده، روند سریع تضعیف اجتماعی-اقتصادی-

فرهنگی بافت‌های فرسوده و گسترش حاشیه‌نشینی اتفاق افتاده است. این بافت‌ها بدلیل فرسودگی و فقدان زیرساخت‌های مناسب شهری و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای ساکنین با گریز جمعیت بومی و جایگزین شدن مهاجرین و اقشار فرودست جامعه شهری مواجه هستند.

با توجه به گستردگی کالبدی و انبوه جمعیت در کلان شهرها، توجه به وضعیت مناطق شهر برای برنامه‌ریزی بهتر توسعه شهری اهمیت زیادی دارد. با این وجود در کشور تلاش‌های چندانی برای مطالعه این موضوع از منظر جامعه‌شناختی در استان گلستان و شهر گرگان و گنبد، صورت نگرفته است. بر این اساس، می‌توان اینگونه بیان کرد که آیا عوامل سرمایه فرهنگی بر میزان مشارکت اجتماعی کنشگران شهری در بازسازی بافت فرسوده در شهر گرگان و گنبد موثرند؟. این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی، بین بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی با مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری در شهر گنبد است.

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی به بررسی ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی کنشگران شهری در بازسازی بافت فرسوده پرداخته‌اند. عمده تحقیقات انجام شده در زمینه مشارکت اجتماعی کنشگران شهری در بازسازی بافت فرسوده عبارتند از:

جهانگیری و همکاران (۱۴۰۰) به رتبه‌بندی چندشاخصه‌ی راهکارهای تقویت مشارکت عمومی در حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی بر اساس الگوواره توسعه پایدار پرداختند. نتایج نشان داد حفاظت از منابع طبیعی مهمترین شاخص و استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی مطلوب‌ترین گزینه می‌باشد. فرآیند تصمیم‌گیری به خوبی انجام گرفته است و این رویکرد برای مسائل مدیریتی و حفاظتی دیگر در شاخه‌های مختلف عمران و معماری توصیه می‌گردد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی نشان دادند که شاخصهای اعتماد و هنجارها و ارزشهای اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته مشارکت، در بازآفرینی این محله موثر و انسجام اجتماعی بلاتاثیر بوده و سرمایه اجتماعی در محله امامزاده یحیی با شدت تاثیر ۰/۹۳ بر بازآفرینی موثر است.

محمدی (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان بررسی میزان سرمایه اجتماعی جهت نوسازی بافت فرسوده شهر زنجان اینگونه در چکیده مقاله خود بیان میکند که ساکنان بافت فرسوده شهر زنجان دارای میزان سرمایه اجتماعی بالاتر از حد متوسط، تقریباً در همه مؤلفه‌های آن هستند. همچنین معناداری بالای رابطه میان متغیرهای سرمایه اجتماعی، با نوسازی بافت فرسوده شهری می‌نگرند.

فولادیان (۱۳۹۶) در بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت مالکان در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مشهد؛ سرمایه اجتماعی را در چهار بعد اعتماد؛ همبستگی اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی و حساسیت نسبت به

سرنوشت کشور و مشارکت در نوسازی در سه بعد مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت؛ مشارکت در تأمین منابع مالی و مشارکت در تأمین نیروی انسانی دسته‌بندی و پرسشنامه در قالب طیف لیکرت طراحی گردید. نتایج نشان داد که هرچه اعتماد اجتماعی افزایش یافت مشارکت مالکان در نوسازی بافت فرسوده افزایش می‌یابد.

صالح و فولادیان و خدیوی (۱۳۹۵) در پژوهشی پیمایشی به دنبال تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی با مشارکت مالکان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در یافته‌های خود اینگونه نگاهشده‌اند که هرچه اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد مشارکت مالکان در نوسازی بافت‌های فرسوده افزایش می‌یابد و هرچه مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد مشارکت مالکان در نوسازی بافت‌های فرسوده افزایش می‌یابد و هرچه همبستگی اجتماعی افزایش می‌یابد مشارکت افزایش می‌یابد و هرچه حساسیت نسبت به سرنوشت کشور افزایش می‌یابد مشارکت مالکان در نوسازی بافت‌های فرسوده افزایش می‌یابد. هرچه سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد مشارکت مالکان در نوسازی بافت‌های فرسوده افزایش می‌یابد. هرچه تحصیلات مالکان افزایش می‌یابد مشارکت مالکان و ساکنان برای نوسازی بافت فرسوده افزایش می‌یابد.

پولادساز و اخوان و سفادرانی (۱۳۹۴) در بررسی ابعاد فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی بافت فرسوده، عواملی از قبیل حس تعلق به مکان، انگیزه مشارکت، تصویر ذهنی مناسب از محله، برخورد‌های اجتماعی از محله و ... را در ایجاد فضایی پایدار در بعد اجتماعی و فرهنگی مؤثر دانسته‌اند.

امیراحمدی (۱۳۹۴) در بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر توسعه شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی مشهد) به این نتیجه رسید که شاخص‌های تعهد اجتماعی و حس همیاری اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کنش مشارکتی ساکنین دارد. او از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله استفاده کرد ۴۲۶ نفر از ساکنین بافت را به عنوان حجم نمونه انتخاب کرد. مهم‌ترین مشکلات مردم در امر نوسازی اعتماد کم به دستگاه‌های ذیربط؛ نداشتن توان مالی ساکنین؛ نبود اطلاعات شفاف؛ بی‌توجهی شهرداری مشخص شد.

آکدو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی فضا و شهر می‌پردازند. رابطه بین احساس مکان، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی در رشته‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، رابطه فضایی آنها کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این مطالعه به درک بهتر رابطه بین این سه مفهوم (احساس مکان، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی) کمک می‌کند. یافته‌ها نشان داد احساس مکان با سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری دارد و در عین حال مشارکت مدنی در سطح فردی نیز به طور قابل توجهی توضیح می‌دهد. همچنین در فضاهای شهری، مشارکت شهروندان از اهمیت برخوردار است.

ایکداووبواس (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان شبکه گفتگوی اجتماعی و نتیجه آن بر نوسازی بافت فرسوده براساس تئوری سرمایه اجتماعی چنین استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی و فرهنگی چه به شکل مستقیم چه به شکل غیرمستقیم باعث مشارکت می‌گردد. کوپنجا و انسریرکا^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای ضمن بررسی تجارب مشارکت

1 Acedo

2 Ikdaoos

3Koppenjan and Ensrink

عموم در پروژه‌های زیربنایی شهری، به شناسایی شیوه‌های حکمرانی شهری برای کمک به مشارکت عموم در پروژه‌های زیربنایی شهری با هدف افزایش پایداری محیط شهری پرداخته‌اند. همچنین بین اکثر متغیرها (اقتصادی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد.

پتر و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی فواید ارزش نهادن به نوسازی بافت فرسوده از نظر اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند. آنها بیان می‌کنند که اگر چه طرح‌های بسیاری برای نوسازی بافت فرسوده شهری در بخش‌های مختلف شهری اجرا شده است ولی جای تعجب است که چندین تلاش منجر به نتیجه نشده است. یافته‌های این پژوهش در صدد بوده که به ارزش منافع حاصل از سیاست‌های نوسازی بافت فرسوده شهری بپردازد. ایکداووباس (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان شبکه گفتگوی اجتماعی و نتیجه آن بر نوسازی بافت فرسوده براساس تئوری سرمایه اجتماعی چنین استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی و فرهنگی چه به شکل مستقیم چه به شکل غیرمستقیم باعث مشارکت می‌گردد.

کوپنجا و انسریکا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای ضمن بررسی تجارب مشارکت عموم در پروژه‌های زیربنایی شهری، به شناسایی شیوه‌های حکمرانی شهری برای کمک به مشارکت عموم در پروژه‌های زیربنایی شهری با هدف افزایش پایداری محیط شهری پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داد بین اکثر متغیرها (اقتصادی، اعتماد اجتماعی، متغیرهای آگاهی اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد!

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی در تبیین پدیده مشارکت اجتماعی کنشگران شهری در بازسازی بافت فرسوده ارائه شده است. یکی از اولین کسانی که مفهوم سرمایه اجتماعی را در اواخر دهه ۷۰ میلادی و اوایل دهه ۸۰ ابداع و آن را مورد توجه قرار می‌دهد، جامعه‌شناس فرانسوی و معاصر، پیربورديو (۲۰۰۲-۱۹۳۰) است. بورديو که به نوعی در زمره نومارکسیست‌ها قرار دارد، در برابر بیش اقتصادگرایی افراطی، به جز سرمایه اقتصادی، انواع دیگری از سرمایه را مطرح می‌کنند و با نگرشی مارکسیستی در ارتباط با مفهوم طبقه، قدرت، مزایای اجتماعی و نابرابری به تحلیل آنها می‌پردازد.

گسترش ابعاد فیزیکی شهرها از یک سو و نبود توزیع بهینه و متناسب خدمات در برابر جمعیت حاصله و از سوی دیگر، چندگانگی بافت شهرها در وجوه مختلف کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، با توزیع نامتوازن در حوزه‌های مختلف موقعیتی را موجب گشته است (نعمتی، ۱۳۸۹: ۸۷). بافت فرسوده شهری از جمله پهنه‌های تقسیمی فوق می‌باشد که با شاخص‌های ریزدانگی، نفوذناپذیری و ناپایداری و سرانجام مجموعه‌ای از سایر نارسایی‌های کالبدی، عملکردی، حرکتی، زیست محیطی، اجتماعی اقتصادی و مدیریتی مشخص می‌شود (طرح جامع تهران، ۱۳۸۵).

1. Peter et al
2. ikdavubas
3. Koppenjan.ensrink

نوسازی شهری نگاه صرفاً کالبدی در نتیجهٔ درک فقدان جذابیت کالبدی و مکانی بافت‌های فرسوده می‌باشد (پوراحمد و شمعی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) این در حالی است که مؤلفه‌های فراکالبدی همانند ساختار اجتماعی بافت‌ها، به مفهوم کمیت و کیفیت روابط و مشارکت ساکنان آنها که تا پیش از این در برابر نگاه صرفاً کالبدی طرح‌ها نادیده انگاشته می‌شد، می‌تواند در قالب سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی، ابزار و محرکی برای نوسازی مطلوب تر و مقبول تر از نظر ساکنان بافت باشد. دیدگاه‌های نظری و تجارب متاخر مدیریت شهری؛ تحقق پذیری برنامه‌های مداخله را در گرو رویکرد برنامه ریزی شهری مشارکتی می‌دانند. رکن اصلی پژوهش توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه یگان‌های سازنده جامعه شهری (افراد و گروه‌ها) است. در ادبیات جدید توسعه نیز با توجه به اهمیت نقش مردم در جامعه از مردم به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۶).

نظریه مداخله: در نظریه مواردی مطرح می‌شود که ابتدا تعدادی از آنها برشمرده می‌شود. موارد مطرح شده عبارتند از منظرسازی؛ بی‌زمانی بنا و مجموعه تاریخی؛ کاربری اصول شهرسازی کهن در شهرسازی جدید؛ تداوم شهرسازی؛ تعلق به محیط شهری؛ تعادل و تمایز؛ چندوجهی بودن مرمت شهری؛ مطالعات برنامه ریزی شهری در مرمت؛ نفی گذشته-منطقه بندی؛ تبعیت فرم از عملکرد؛ بطنی بودن مرمت شهری؛ آیینی بودن مرمت شهری؛ لزوم معاصر سازی؛ تعادل بخشی به محیط؛ گذشتن از تولید جمعی به تولید قطعه‌ای؛ گذر از سبک‌های محدود به گونه‌های متفاوت؛ انقطاع تاریخی؛ مردم‌گرا بودن مرمت شهری اولویت زمینه به بافت - ایجاد فضای شهری با قابلیت تطابق با تغییرات آینده برای رسیدن به نتیجه قابل کاربرد در عمل.

نظریه‌های مداخله در چهار دسته مطرح می‌شود:

۱- مداخله نوگرایانه (تجدد): تاکید بر انقطاع فرهنگی.

۲- مداخله فرانوگرایانه: که به صورت تلفیقی است.

۳- مداخله فرهنگ‌گرایانه: تاکید بر زیبایی‌شناختی و بالابردن جذابیت و آرامش شهری

۴- مداخله مردم‌گرایانه: دخالت مردم در تصمیم‌گیری و تهیه برنامه.

در این پژوهش نوع چهارم مداخله مورد نظر است:

مداخله مردم‌گرایانه: این نوع مداخله متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است که هدف آن بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضایی شهر است. مخاطبان اصلی هر نوع مداخله‌ای را مردم و ساکنان محدوده‌های مورد عمل؛ تشکیل می‌دهند. بنابراین قبل از هرگونه مداخله‌ای؛ باید به نظریه‌های مردم‌توجه داشت و پس از بررسی آنها؛ مداخله در بافت با همکاری مردم صورت پذیرد. مداخله مردم‌گرایانه؛ نظریه تداوم رادر تکامل می‌بیند. به سخن دیگر سر در گذشته و رو به آینده دارد. اینان به درک فضای شهری می‌اندیشند و نه به خلق آن؛ بویژه طرح‌های صلب و ثابت. مداخله مردم‌گرایانه بیش از طراحی به برنامه ریزی می‌اندیشد. برنامه ریزی که در آن مردم نقش اساسی را در سازماندهی شهرسازی می‌کنند.

بورديو که به نوعی در زمره نومارکسیست‌ها قرار دارد، در برابر بیش اقتصادگرایی افراطی، به جز سرمایه اقتصادی، انواع دیگری از سرمایه را مطرح می‌کنند و با نگرشی مارکسیستی در ارتباط با مفهوم طبقه، قدرت،

مزایای اجتماعی و نابرابری به تحلیل آنها می پردازد. جان فیلد، معتقد است که برای فهم اندیشه بورديو در مورد سرمایه اجتماعی، باید دغدغه اصلی وی و درک او از سلسله مراتب اجتماعی را به یاد داشته باشیم (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱)!

وی در ابتدای بخش دوم کتاب نظریه کنش خود که آن را سرمایه جدید نام نهاده است، انگیزه و هدف خود را از طرح این مبحث این گونه بیان می کند: برآدم تا در این بحث، ساخت کارهای پیچیده‌های را مطرح کنم که از خلال آنها نهادهای آموزشی به باز تولید نحوه توزیع سرمایه فرهنگی و از طریق آن به باز تولید ساختار فضای اجتماعی، یا به تعبیر شناخته شده تر به باز تولید ترکیب طبقات اجتماعی، کمک می کنند (بورديو، ۱۳۸۰: ۵۴).

اظهار نظر فوق نشان می دهد، یکی از دغدغه‌های بورديو، تحلیل ترکیب و شیوه‌های باز تولید طبقات اجتماعی است، که از علایق اصلی متفکران مارکسیست نیز به شمار می آید. وی همچنین در کتاب وارثان، دانشجویان و فرهنگی به حضور نابرابر و مبتنی بر تبعیض طبقات مختلف اجتماعی در دانشگاه‌ها می پردازد (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۵)!

در کتاب تمایز نیز موضوع مورد علاقه خود، یعنی تبیین نابرابری و سلسله مراتب اجتماعی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهد و نشان می دهد که سلايق و سبک زندگی افراد ناشی از طبقه ای است که به آن تعلق دارد. بورديو این نکته را متذکر می شود که فرد بر حسب میزان و نوع سرمایه‌ای که در اختیار دارد، خود را در مصرف کالاهای هنری و سبک زندگی از دیگران متمایز می سازد و متفاوت با دیگران عمل می کند. وی معتقد است که مکان و جایگاه اجتماعی افراد در فضای اجتماعی حول سه محور سازمان می پذیرد:

۱. حجم کلی سرمایه‌ای که در اختیار دارد؛

۲. تقسیم این سرمایه به اقتصادی و فرهنگی و سهم فرد از هر یک از این دو بخش و به ویژه از بخش فرهنگی یعنی مجموعه ثروت‌های نمادینی که از محیط اجتماعی خود به ارث برده است؛ تسلط به زبان، حالات و اطوار مناسب، همراه با نشانه‌های اجتماعی مثبت مانند مدرک تحصیلی.

۳. تحول این دو سرمایه در زمان: کنشگران در این فضا به دنبال راهبردهای باز تولید و جابه‌جایی سرمایه، مثلاً تبدیل سرمایه اقتصادی به سرمایه فرهنگی هستند (همان، ۲۳).

البته بورديو با تأکید بر فرهنگ و سرمایه‌های مختلف در این نوشتار نشان می دهد که در فضایی متفاوت با مارکسیست‌ها به تحلیل روابط طبقاتی و تمایز میان آنها می پردازد. نکته دیگری که در کار بورديو مشهود است و احتمالاً در گرایش و تمایل وی به مطرح کردن بحث انواع سرمایه به طور عام و سرمایه اجتماعی به طور خاص، مؤثر بوده باشد، علاقه و توجهی است که بورديو به رابطه میان عاملیت و ساختار و به تعبیر وی برداشتن ضدیت کاذب و بیهوده میان فرد و جامعه داشته است (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۱۵) وی در نظریه «ساختمان

ذهنی و زمینه، تلاش می‌کند تا با تأکید بر رابطه دیالکتیکی بین ساختار و عاملیت یا فرد و جامعه، میان آنها پیوند برقرار کند و به زعم خود، کنشگران زندگی واقعی را که به وسیله ساختارگرایان از صحنه خارج گشته‌اند، به صحنه باز گرداند و بر ضدیت بیهوده میان ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی غلبه نماید (همان، ۷۱۵).
 بورديو به‌طور قاطعانه اظهار می‌دارد که توضیح ساختار و کارکرد جهان اجتماعی ناممکن است، مگر آنکه سرمایه را در تمامی شکل‌های موجود آن شناخت. در نوشته‌های بورديو، بحث در مورد انواع سرمایه و ارتباط آنها با یکدیگر به چشم می‌خورد، اما در این مباحث همچنان که گفته آمد نه خود را به تفسیر مارکسیستی محدود و نه فقط به ذکر یک نوع سرمایه که مورد تأکید مکاتب اقتصادی، مارکس و مکتب مارکسیسم بود، بسنده می‌کند. وی سرمایه را عبارت از کار انباشته می‌داند که آنگاه به‌گونه‌ای انحصاری، به تصرف عامل یا عاملانی در می‌آید و موجب می‌شود، قدرت اجتماعی را به تصرف خود در آورند. بورديو به وجود انواع سرمایه اشاره می‌کند و آنها را اینگونه تعریف می‌نماید:

سرمایه اقتصادی: این نوع از سرمایه قبلاً توسط اقتصاددانان و مارکسیست‌ها بسیار مورد اشاره و تدقیق قرار گرفته است و منظور از آن مالکیت ثروت‌های مادی یا مالی است که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۶) و تأثیر عمده‌ای در ایجاد و شکل‌گیری طبقات و نابرابری اجتماعی دارد (بورديو؛ ۱۳۸۴: ۱۳۶).

این اصطلاح، برای تبیین سلسله مراتب اجتماعی و استعمار طبقاتی، در نظریات مارکسیستی، کاربرد وسیع و گسترده‌ای دارد. در نظریات توسعه نیز سرمایه اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. اما از آنجایی که بورديو، نگاهی انتقادی به بیش از افراطی اقتصادی دارد و به جای اینکه جامعه را به صورت هر می‌بیند، فضای اجتماعی را به تصویر می‌کشد که در آن عناصر متفاوتی حضور دارند، در تبیین روابط نابرابر طبقات اجتماعی به انواع دیگری از سرمایه اشاره می‌کند و از آنها برای تحلیل روابط اجتماعی بهره می‌برد.

سرمایه فرهنگی: این اصطلاح در برگرفته مجموعه‌ای از عوامل غیراقتصادی همچون پیشینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و تعهد نسبت به آن و منابع مختلفی که موفقیت دانشگاهی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌باشد. بورديو میان سه حالت با شکل از سرمایه فرهنگی تمایز فائل می‌شود. حالت تجسد یافته به‌طور مستقیم با افراد و حالات ذهن و بدن آنها سر و کار و ارتباط دارد و نشان می‌دهد که آنها چه می‌دانند و چه می‌توانند انجام دهند. این حالت از سرمایه فرهنگی با صرف زمان در جهت خود بهبودی و در فرآیند یادگیری می‌تواند افزایش یابد به‌گونه‌ای که به تدریج به یکی از عادات پایدار فرد تبدیل می‌شود و به صورت آنی قابل تغییر و تبدیل و انتقال نیست. حالت عینیت یافته در شکل کالاهای فرهنگی و اموال مادی مانند (عکس‌ها، کتاب‌ها، واژه‌نامه‌ها، ابزارها، ماشین‌ها و...) نمود می‌یابد که اثر و نشان با شکل تحقق یافته نظریه‌ها و نقدهای آنها هستند. این شکل از سرمایه فرهنگی می‌تواند از یک سو در شکل مادی آن با سرمایه اقتصادی و از سوی دیگر در شکل نمادین با سرمایه تجسد یافته تناسب داشته باشد. در نهایت، حالت نهادینه شده که به صورت صلاحیت‌های آموزشی و مدارک دانشگاهی ظاهر می‌شود و به استعدادها و فرد عینیت

می‌بخشد. این مدارک و صلاحیت‌های آموزشی، موجب ایجاد شایستگی فرهنگی می‌شود که این نیز به نوبه خود منجر به این می‌شود که به دارندگان این شایستگی‌ها، ارزش تضمینی، پایدار و رسمی مرتبط با قدرت اعطا شود (بورديو، ۱۹۸۳: ۵).

یکی از دغدغه‌های اصلی بورديو، تحلیل نقش مدرسه و نظام آموزشی که تولیدکننده اصلی سرمایه فرهنگی است، در ثبات و تداوم نابرابری میان طبقات مختلف اجتماعی در جامعه است. وی معتقد است که این سیستم با استفاده از قواعد گزینشی خاصی دانش‌آموزان دارنده سرمایه فرهنگی خاص، را از دیگران که فاقد آن نوع از سرمایه هستند، جدا می‌سازد و آنها را در مراکز آموزشی خاص و برجسته قرار می‌دهد و بدین گونه به بازتولید سلسله مراتب و حفظ تفاوت‌های اجتماعی می‌پردازد. بورديو در کتاب وارثان، دانشجویان و فرهنگ نیز به این نکته اشاره می‌کند و معتقد است که نظام تحصیلی و آموزشی با ارائه مدارک تحصیلی و ترویج سبک زندگی و سلايق خاصی، موجب دستیابی طبقات مرفه اجتماعی به سرمایه فرهنگی بیشتر و این امر منجر به تثبیت و تقویت جایگاه نابرابر آنها در جامعه می‌شود (شوپره و فونتن، ۱۹۹۹: ۱۵). اما طبقات اجتماعی در جامعه آنگاه از ثبات برخوردار خواهند بود که سرمایه‌های موجود که تحت تملک افراد و طبقات هستند، ثابت بمانند و به صورت موروثی از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. آیا سرمایه فرهنگی، به صورت ارثی قابل انتقال است؟ و آیا انباشت سرمایه، آنچنان که در سرمایه اقتصادی به چشم می‌خورد، در اینجا نیز وجود دارد؟ به نظر بورديو، دوره انباشت سرمایه فرهنگی، تمامی مراحل اجتماعی شدن فرزندان را در بر می‌گیرد، از این رو نتیجه می‌گیرد که به انتقال سرمایه فرهنگی، بدون شک نهفته‌ترین شکل انتقال موروثی سرمایه است، و بنابراین به همان نسبت، وزن سنگینتری در راهبردهای باز تولید می‌یابد، زیرا شکل‌های مستقیم و مرئی انتقال دستخوش سانسور و کنترل قویتر قرار می‌گیرد (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۳). از سوی دیگر برخی از اشیاء مادی که جزئی از سرمایه فرهنگی قلمداد می‌شوند، در شکل مادی و متجسد خود، همانند سرمایه اقتصادی، از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال هستند.

اساساً مفهوم سرمایه در تاریخ تفکر علوم اجتماعی از آن دست مفاهیم پرچالشی است که ذهن‌های بسیاری از اندیشمندان حوزه مطالعاتی جامعه را درگیر خود کرده است و هر نظریه‌پردازی بسته به سطح و نوع نگاه مکتبی خود، سعی در تبیین و تنوری پردازی در آن کرده است. پیر بورديو، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی از آن دست نظریه‌پردازان میدان اجتماعی است که در نقدی به مارکس، که می‌گفت سرمایه از یک نوع وجود دارد و آن سرمایه اقتصادی است، از یک نوع دیگری از سرمایه به نام سرمایه فرهنگی صحبت به میان می‌آورد. همانطور که قبلاً در این تحقیق ذکر شد، مارکس، سرمایه اقتصادی را جز زیربنای جامعه قلمداد می‌کرد و فرهنگ را منبعث از سرمایه اقتصادی می‌دانست. اما بورديو بر خلاف مارکس، به بخش‌بندی جامعه به زیربنا و روبنا اهتمام نمی‌ورزد و می‌گوید جامعه از چندین سرمایه فرم یافته است که در کنار سرمایه اقتصادی و اجتماعی، سرمایه فرهنگی نیز از یک وزن برابر با دیگر سرمایه‌ها برخوردار است که بسته به عوامل محیطی و فرهنگی می‌تواند بر دیگر سرمایه‌ها و مقولات جامعه‌شناختی، موثر افتد و تاثیر بپذیرد.

بوردیو اعتقاد دارد که این کیفیت به وسیله کلیت ارتباطات بین کنشگران حاصل می‌شود، نه آنکه فی‌نفسه یک کیفیت معمول گروه باشد، عضویت در گروه‌ها و درگیر بودن در شبکه‌های اجتماعی، که در گروه‌ها حاصل می‌شود و روابط اجتماعی حاصل از عضو بودن می‌تواند در تلاش این بهبود موقعیت اجتماعی کنشگران در حوزه‌های گوناگون و متفاوت به کار برده شود. از نظر پاتنام نیز سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد هنجارها و شبکه‌ها، می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ بهبود بخشد (نوابخش، ۱۳۹۲: ۱۱).

جامعه‌شناسان زیادی در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در جامعه بحث کرده‌اند که در این بین نظریات پاتنام، بوردیو و کلمن با موضوع بحث این پژوهش ارتباط بیشتری دارد. پاتنام مشارکت افراد در اجتماعشان را ناشی از سرمایه اجتماعی آنان که از سه بخش شبکه روابط اجتماعی، همیاری و اعتماد تشکیل شده است، می‌داند (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۵). کلمن نیز معتقد است سرمایه اجتماعی منجر به تسهیل روابط اجتماعی می‌شود و دستیابی به اهداف را آسان‌تر کرده و مشارکت اجتماعی افراد را در ساخت اجتماعی میسر می‌کند (خوش‌فر، ۱۳۷۸: ۲۶۲) بوردیو نیز مانند کلمن و پاتنام سرمایه اجتماعی - فرهنگی را بر مشارکت مؤثر می‌داند. از نظر وی این سرمایه‌ها می‌تواند مشارکت را تحت تأثیر قرار دهد.

بدین ترتیب، در این مقاله، متغیرهای قابل سنجش بکار گرفته شده برای بررسی و مشخص کردن میزان مشارکت اجتماعی در بازسازی بافت فرسوده از نظریات جامعه‌شناسانی همچون بوردیو و پاتنام و کلمن استفاده شده است که شرحی مختصر از دیدگاه و تعاریف و نظریات آنان در بالا ذکر گردید. با توجه به نظریات ارائه شده، انتظار می‌رود که ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته باشد.

روش پژوهش

این مقاله در چارچوب روش شناسی کمی از روش پیمایش استفاده می‌کند. جامعه آماری پژوهش، حوزه تعمیم نتایج و یافته‌های پژوهش است که شامل کلیه ساکنان و مالکان بافت فرسوده شهری و پیرامون شهر گرگان و گنبد به تعداد ۲۱۴۵۶ هزار نفر می‌باشد. واحد تحلیل، افراد سنین بیشتر از ۱۸ سال هستند که توانایی پاسخگویی به سؤالات را دارند. تعداد مردها ۱۱۱۰۴ نفر و تعداد زن‌ها ۱۰۳۵۲ نفر است. حجم نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و سطح دقت ۰/۰۵۵ به میزان ۳۸۲ نفر برآورد شده است. شیوه و روش نمونه‌گیری در این پژوهش از روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. روش انتخاب نمونه در این پژوهش بصورت منطقه‌ای یا بلوکی است، به دلیل پراکندگی بالای پاسخگویان، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نمونه مورد نظر انتخاب شد، به این صورت که از منطقه تمامی محلات نمونه انتخاب و در نهایت از هر محله نیز بلوک‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس در هر بلوک شهری با توجه به حجم بلوک و تناسب آن با حجم نمونه افرادی از درب منازل جهت پاسخگویی انتخاب شدند. در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری

می‌شود. از آنجایی که برای بررسی جنبه‌های اجتماعی پرسش‌نامه خود ساخته هیچ‌گونه مقیاس استاندارد و اختصاصی جهت سنجش در دسترس نبوده است، ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده و سوالات براساس طیف لیکرت از گویه‌های پنج مقوله‌ای - تنظیم شده است.

برای تعیین اعتبار از اعتبار صوری استفاده کردیم و برای پایایی نیز منظور این است که ببینیم آیا ابزار سنجش دارای ویژگی تکرار پذیری هست، به بیان دیگر اگر خصیصه مورد نظر را با همان روش تحت شرایط مشابه بیش از یک بار اندازه گیری کنیم نتایج تا چه حد مشابه خواهند بود (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۲۸۷). برای درک پایایی معمولاً از آمار استفاده می‌شود. در آمار، پایایی ملاکی برای همسانی یک مجموعه از بخش‌ها یا ابزارهای سنجش است که در خصوص آزمون یک چیز مشابه به کار می‌روند. این همسانی هم می‌تواند در خصوص یک ابزار در زمان‌های گوناگون، هم در خصوص مقایسه یک ابزار با ابزارهای گوناگون و هم در خصوص ارزیابی یک ابزار توسط افراد گوناگون صادق باشد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۱۱). برای احراز پایایی سوالات پرسشنامه، در این پژوهش از روش آلفا کرونباخ برای پایایی گویه‌ها استفاده شده است.

جدول (۱): پایایی سوالات پرسشنامه سرمایه اجتماعی

مقدار آماره	تعداد گویه ها	متغیرها
۰/۸۳۰	۶۴	سرمایه فرهنگی
۰/۸۳۶	۲۲	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۷۲۳	۲۰	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۸۴۵	۱۰	سرمایه فرهنگی نهادینه شد

جدول (۲): پرسشنامه مشارکت در بازسازی بافت فرسوده

مقدار آماره	تعداد گویه ها	متغیرها
۰/۸۵۵	۱۱	مشارکت در بافت فرسوده
۰/۸۷۱	۴	مشارکت فکری
۰/۸۵۳	۲	مشارکت اجرایی
۰/۷۸۶	۲	مشارکت مالی
۰/۷۵۶	۳	مشارکت نیروی انسانی
۰/۸۶۷	۱۷	فکری اجرایی مالی نیروی انسانی

یافته های پژوهش

در این بخش از مقاله ابتدا به بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش پرداخته و در ادامه به تحلیل سنجش خروجی آزمون فرضیات تحقیق پرداخته خواهد شد.

حدود ۲۰ درصد از پاسخگویان نظر خاصی در مورد محله خود نداشته‌اند ولی بیش از ۸۰ درصد به محله خود احساس تعلق می‌کنند. ۳۳ درصد پاسخگویان محله خود را مناسب دانستند. ۶۵ درصد از پاسخگویان از محله

خود احساس رضایت ندارند. نزدیک به ۴۴ درصد ساکنین اطلاع کمی از طرح نوسازی منطقه خودشان دارند ولی ۸۰ درصد بیشترین ضرورت نوسازی بافت فرسوده در محل زندگی شان را ذکر کرده‌اند.

پاسخگویان مهم ترین مشکلات را در را نوسازی بافت فرسوده محله خود به ترتیب اعتماد کم مردم نسبت به دستگاه‌های ذیربط و مجریان، نداشتن توان مردم در بازسازی، نبود اطلاعات کافی و شفاف و ترس از طولانی شدن ساخت و ساز، نبود اطلاعات کافی در مورد مشارکت و نبود مکانی برای زندگی در زمان ساخت ساز می‌دانند. شاخص های پژوهش با استفاده از گویه های لیکرت ۵ تایی مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول (۳): میانگین و انحراف معیار شاخص های پژوهش

شاخص های اصلی	میانگین	انحراف معیار	شاخص های اصلی	میانگین	انحراف معیار
عینیت یافته	۳/۴۶	۰/۵۱	سرمایه فرهنگی	۳/۳۲	۰/۵۷
تجسم یافته	۳/۵۵	۱	مشارکت مالی	۳/۰۱	۰/۵۹
نهادینه شده	۳/۰۵	۰/۵۲	مشارکت در اجرا	۳/۳۹	۰/۷۲
مشارکت نیروی انسانی	۲/۹۳	۰/۷۱	مشارکت اجتماعی	۳/۷۰	۰/۶۶

جدول (۳) نشان دهنده میانگین و انحراف معیار شاخص های پژوهش می‌باشد. این جدول نشان می‌دهد که میانگین شاخص سرمایه فرهنگی عینیت یافته (۳/۴۶) سرمایه فرهنگی تجسم یافته (۳/۵۵) سرمایه فرهنگی نهادینه شده (۳/۰۵) مشارکت نیروی انسانی (۲/۹۳) مشارکت مالی (۳/۰۱) مشارکت اجتماعی (۳/۷۰) سرمایه فرهنگی (۳/۳۲) مشارکت در اجرا (۳/۳۹) است، که نشان دهنده این است که نمره میانگین بدست آمده بیشتر از حد متوسط است.

جدول (۴): میانگین سرمایه فرهنگی و مشارکت شهروندان ساکن محلات مورد مطالعه در نوسازی

معناداری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین		
۰/۰۰۰	۳۹/۱۴۲	۰/۳۷۰۳۶	۳/۴۱۹۸	قزاق محله	سرمایه فرهنگی
		۰/۳۹۲۵۶	۲/۷۸۴۴	کوی طالقانی	
		۰/۳۴۶۲۳	۳/۶۰۷۹	کوی سجادیه	
		۰/۳۶۵۵۰	۳/۳۵۲۴	زابل اباد	
		۰/۵۱۱۶۱	۳/۶۴۰۰	چای بویین	
		۰/۴۰۴۲۶	۳/۱۸۷۹	پل گدم اباد	
		۰/۵۱۱۶۱	۳/۳۴۶۰	کل	
۰/۰۰۰	۹/۲۵۳	۰/۴۴۵۱۴	۳/۰۶۲۰	قزاق محله	مشارکت در بافت
		۰/۶۰۴۰۹	۲/۷۳۷۵	کوی طالقانی	
		۰/۵۰۶۱۷	۳/۱۹۸۸	کوی سجادیه	
		۰/۵۱۲۷۶	۳/۱۶۱۹	زابل اباد	
		۰/۵۴۵۷۶	۲/۸۴۶۳	چای بویین	
		۰/۴۰۴۲۶	۳/۰۹۵۵	پل گدم اباد	
		۰/۵۲۸۹۱	۳/۰۱۹۵	کل	

نتایج تحقیق جدول ۴ نشان داد که شش محله اصلی دو شهر مورد مطالعه (گرگان گنبد) اختلاف معناداری در بین آنها مشاهده می شود.

جدول (۵): بررسی کلی میزان رابطه و شدت همبستگی

متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته: مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده

نتیجه	سطح معناداری (sig.)	ضریب همبستگی پیرسون (R)	متغیر مستقل
تایید	۰/۰۰۵	۰/۵۲۳	بعدعینیت یافته سرمایه فرهنگی
تایید	۰/۰۰۳	۰/۵۴۳	بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی
تایید	۰/۰۰۰	۰/۶۰۵	بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی

همانگونه که در جدول ۵ مشخص است، بین تمامی ابعاد متغیر مستقل سرمایه فرهنگی بر مشارکت در نوسازی بافت فرسوده شهر گرگان و گنبد، رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. یعنی به ازای هر واحد افزایش همبستگی بین ابعاد متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، باعث مشارکت بیشتر افراد در نوسازی بافت فرسوده در دو شهر گرگان و گنبد می گردد.

جدول (۶): خلاصه رگرسیون چند متغیره بین ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت در نوسازی بافت فرسوده شهری

R	R ²	اشتباه استاندارد شده	F	سطح معناداری	استقلال خطاها
۰/۹۶۴	۰/۹۳۰	۴/۴۸	۶۱۶/۴۷۵	۰/۰۰۰	۱/۷۳۹

جدول (۶) ضریب همبستگی بین متغیرهای سرمایه فرهنگی نهادینه شده، سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، را نشان می دهد. این فرضیه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد، مقدار ضریب همبستگی برابر با $R = ۰/۹۶۴$ و سطح معنی داری $۰/۰۰۰$ به دست آمد. از آنجایی که سطح معنی داری محاسبه شده ($P < ۰/۰۰۰$) کوچکتر از $۰/۰۵$ است، در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض پژوهشی تایید می شود. استقلال خطاها یا باقیمانده خطاها که تحت عنوان ضریب دوربین واتسون شناخته می شود نیز در این آزمون ($۱/۷۳۹$) بدست آمده است که به معنی استقلال همبستگی دادها و متغیرهای پژوهش از هم است. با توجه به خروجی خلاصه رگرسیونی متغیرهای پژوهش، تایید می شود که بین ابعاد سرمایه فرهنگی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

در جدول (۷)، مقدار ضریب همبستگی چندگانه ابعاد سرمایه فرهنگی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری و مقدار برآورد شده آن تحت مدل رگرسیونی نهایی، معادل ($۰/۹۶۴$) می باشد. مقدار ضریب تعیین چندگانه در مدل نهایی برابر با ($۰/۹۳۰$) بوده و بیانگر اینست که ($۰/۹۳$) درصد از تغییرات مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری توسط متغیر مستقل یعنی ابعاد سرمایه فرهنگی قابل تبیین است. بنابراین فرض صفر رد می شود، به عبارت دیگر می توان گفت بین ابعاد سرمایه فرهنگی و مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

جدول (۷): جدول برآورد ضرایب مدل نهایی رگرسیون خطی متغیرهای پژوهش

متغیرهای وارد شده	ضرایب غیر استاندارد		انحراف معیار	B	ضرایب استاندارد	آزمون T	سطح معناداری
	BETA						
Constant			۲/۹۴۶	۱۲/۵۶۸		۴/۲۶۶	۰/۰۰۰
عینیت یافته	۰/۳۷۰		۰/۱۶۸	۰/۳۷۰	۰/۱۲۰	۱/۷۷۹	۰/۰۰۰
تجسم یافته	۰/۲۵۵		۰/۱۰۸	۰/۲۵۵	۰/۱۰۴	۱/۱۳۹	۰/۰۰۰
نهادینه شده	۰/۱۶۸		۰/۰۹۹	۰/۱۶۸	۰/۱۶۸	۴/۹۱۷	۰/۰۰۰

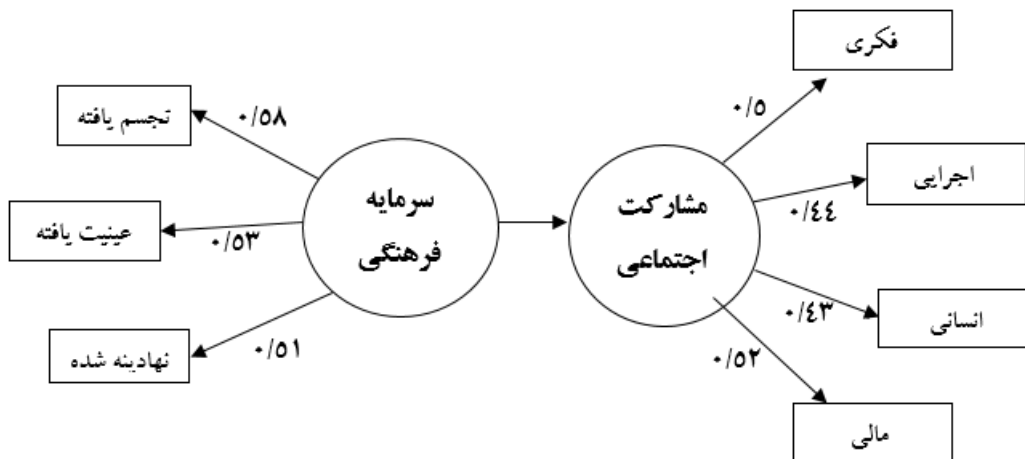
جدول (۸) برآورد ضرایب مدل نهایی رگرسیونی فوق نشان می‌دهد که متغیرهای مورد بررسی فوق معنادار بوده و هر یک از آنها دارای وزن‌های متفاوتی هستند. همچنین ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول فوق نشان می‌دهد که در رتبه اول، متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته ($Beta=0/370$) با ضریب معنی‌داری $0/000$ قرار دارد و در رتبه دوم، متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته ($Beta=0/255$) با ضریب معنی‌داری $0/000$ و در رتبه سوم، سرمایه فرهنگی نهادینه شده ($Beta=0/168$) بدست آمده است که کمترین مقدار بدست آمده را داراست. به این معنی که به هر مقدار واحدی که به ابعاد متغیر مستقل پژوهش، یعنی سرمایه فرهنگی که شامل مولفه‌های (سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سرمایه فرهنگی تجسم یافته؛ سرمایه فرهنگی نهادینه شده) اضافه یا کم شود، به همان میزان نیز بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری کاهش یا افزایش می‌یابد.

جدول (۸): آزمون بارتلت

آزمون کایزر، مایر، اولکین	۰/۷۴۶
کای اسکوار	۷۸۵/۰۲۶
Df	۵
Sig	۰/۰۰۰

داده‌های این تحقیق از روش استاندارد کردن داده‌ها در مسیر تحلیلی آنالیز رگرسیون در SPSS مورد ویرایش قرار گرفت و داده‌هایی که در دامنه $+3$ تا -3 قرار داشتند مورد استفاده قرار گرفتند و داده‌های بیشتر و کمتر از این دامنه از داده‌ها حذف گردیدند تا داده‌های استاندارد شده‌تری را برای تحلیل در اختیار محقق قرار دهد. پیش از اقدام به استفاده از روش تحلیل عاملی باید از کافی بودن حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اطمینان حاصل شود. همانطور که پیشتر نیز تاکید شد حجم نمونه عامل تعیین کننده‌ای در صحت خوشه‌بندی عناصر با تکنیک تحلیل عاملی است. یکی از روش‌های بررسی کفایت نمونه جهت تحلیل عاملی محاسبه شاخص کفایت نمونه است. شاخص کفایت نمونه توسط کایزر، مایر و اولکین نوآوری شده است و برای همین آن را با نماد KMO نمایش می‌دهند.

با توجه به سنجش سه متغیر مولفه‌های عینیت یافته؛ تجسم یافته؛ نهادینه شده، KMO بدست آمده (۰/۷۴۶) است که در حد مطلوب می‌باشد و خروجی بدست آمده شاخصی برای جواز سنجش تحلیل عاملی متغیرهای پژوهش حاضر است.



شکل (۱): مدل استاندارد معادله ساختاری تحلیل عاملی متغیرهای پژوهش

با توجه به نتایج زیر که از خروجی نرم افزار لیزرل بدست آمده است، برازش مدل را نتیجه می‌گیریم. جدول (۹) محدوده دامنه شاخص و خوبی برازش را نشان می‌دهند.

جدول (۹): شاخص‌های برازش الگوی اصلی

شاخص‌ها	مقدار قابل قبول	مقدار یافته پژوهش	مطلوبیت
Chi-square	-	۶۳/۷۸۷	-
RMSEA	$RMSEA < 0.1$	۰/۰۶۴	تایید مدل
p-value	$P \geq 0.5$	۰/۰۰۰	عدم تایید مدل
Df (درجه آزادی)	$df \geq 0$	۲۵	تایید مدل
x_2 / Df	$x_2 / Df < 3$	۲/۵۵۱	تایید مدل
CFI	$CFI \geq 0.9$	۰/۹۹۲	تایید مدل

بحث و نتیجه گیری

نقش سرمایه فرهنگی در نوسازی بافت فرسوده شهری متأثر از دیدگاه متاخر توسعه شهری است که برای مشارکت مردم در فرایند نوسازی اهمیت زیادی قائل است. این سرمایه‌ها را به منزله دارایی اولیه جوامع در برنامه ریزی نوسازی می‌دانند. سرمایه فرهنگی به مثابه پیش نیاز مشارکت دارای نقش مهمی در پیشبرد اهداف آن در راستای موفقیت برنامه‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری است. قوی بودن این شاخص‌ها در بین ساکنان بافت‌های فرسوده می‌تواند به عنوان عامل تسهیل کننده نقش ایفا کند و زمینه بهتری برای موفقیت برنامه‌های

نوسازی ایجاد نماید؛ اما ضعیف بودن آن می‌تواند عاملی بازدارنده محسوب شده و پیامدهای منفی را در اجرای این گونه پروژه ایجاد نماید.

در مطالعه حاضر که با هدف شناخت عوامل فرهنگی موثر بر مشارکت ساکنان بافت فرسوده دو شهر گنبد و گرگان در برنامه‌های نوسازی بافت به روش پیمایش انجام شد. مفهوم سازی سرمایه فرهنگی مبتنی به نظریه‌های سرمایه فرهنگی بوردیو؛ پاتنام و کلمن انجام شد و بدین سان برای سرمایه فرهنگی سه مولفه سرمایه فرهنگی عینیت یافته؛ سرمایه فرهنگی تجسم یافته؛ سرمایه فرهنگی نهادینه شده در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد میزان سرمایه فرهنگی ساکنین بافت فرسوده با توجه به میانگین شاخص‌های بدست آمده دارای وضعیت مناسبی است و شهروندان ساکن در این بافت‌ها دارای نمره خوبی در حوزه سرمایه فرهنگی هستند. در بین مولفه‌های سرمایه فرهنگی مولفه نهائینه شده وضعیت ضعیف تری نسبت به سایر مولفه‌ها دارد. یعنی میزان احساس امنیت و همکاری و رعایت سلسه مراتب اداری ساکنین از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده. در همین راستا بکارگیری راهبردهایی نظیر اطلاع رسانی صحیح برگزاری جلسات مشترک بین کارگزاران نوسازی و مردم ساکن محل و مالکان و انتقال دانش و تبادل تجربیات اجرای درست و بموقع تعهدات و... می‌تواند در افزایش احساس امنیت و همکاری و رعایت سلسه مراتب اداری که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند؛ موثر باشد.

همچنین میزان سرمایه فرهنگی در محلات مختلف بافت فرسوده شهر گنبد و گرگان وضعیت یکسانی برخوردار نیست. به گونه‌ای که میزان سرمایه فرهنگی در محله یک و دو و سه شهرگرگان بالاتر از حد متوسط است. لذا مسولان امر؛ بهتر است برنامه‌های نوسازی در این محلات را در اولویت قرار دهند. چرا که بالا بودن میزان سرمایه فرهنگی با توجه به نتایج این تحقیق در مشارکت شهروندان در نوسازی موثر است. بالطبع برنامه نوسازی این محلات با موفقیت بیشتری روبرو شده و می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق در ترغیب ساکنان سایر محلات به مشارکت تاثیر گذار باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده جهت افزایش مشارکت شهروندان در بافت‌های فرسوده موارد زیر مد نظر قرار گیرد:

۱. سرمایه فرهنگی به سیمانی تشبیه شده است که بلوک‌های تشکیل دهنده ساختمان را کنار هم نگه می‌دارد. نتیجه پژوهش نشان داد با بالا رفتن سرمایه فرهنگی مشارکت مردم در نوسازی و بازسازی بافت فرسوده افزایش می‌یابد و می‌توان با افزایش سرمایه فرهنگی به افزایش مشارکت اقتصادی نیز همت گمارد. موارد زیر برای افزایش سرمایه فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

الف- تقویت امکانات مالی و اقتصادی افراد جامعه

ب- ایجاد فضای تسهیل کننده ارتباطات اجتماعی میان افراد جامعه

۲. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و میزان مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از کلیدی‌ترین نکاتی که در اجرای پروژه‌های نوسازی باید مد نظر قرار گیرد اعتماد است. برای بالا بردن اعتماد پیشنهاد می‌شود در درجه اول تضمین‌های لازم برای مردمی که

در اجرای پروژه می‌خواهد سرمایه‌گذاری کنند، داده شود. بطوری که افراد از ابتدا تا انتهای پروژه بدانند چه اتفاقاتی قرار است بیافتد.

۳. نتیجه دیگر که بدست آمده این است مشارکت فرهنگی بر مشارکت اقتصادی تاثیر گذار است. باید مد نظر قرار داد که بازسازی و نوسازی بافت فرسوده فرایندی است نه اقدامی یکباره و دفعی و مستلزم مهندسی اجتماعی است. این نکته زمانی روشن تر می‌شود که بدانیم با توجه به ریزدانه بودن و قدیمی بودن املاک روابط میان همسایگان در بسیاری از این مناطق شدیدتر از دیگر مناطق شهر است و مردمی که در امور اجتماعی مشارکت بیشتری دارند و وجهه بهتری نیز دارند و می‌توان با آگاه ساختن آنها از فایده نوسازی، سایرین را بهتر متقاعد کرد.

۴. به نظر می‌رسد فواید نوسازی را باید در دو جهت به مردم شناساند:

الف. فوایدی که برای همه مردم دارد مثل کاهش ترافیک، پیشگیری از خسارت احتمالی زلزله.

ب. فوایدی که برای مشارکت کنندگان دارد: سود اقتصادی، دسترسی به ملک نو در محل قبلی.

۵. اتکابه وجوه بالفعل سرمایه اجتماعی در سطح محله در ارتقای الگوی مداخلات کالبدی از محرک بودن به سمت مشارکتی و از آن بسو در جهت مردمی بودن

۶. ایجاد خدمات و کاربری های سبز؛ مراکز اصلی و فرعی در سطح محله

۷. ایجاد طرح شهر دار محله؛ برای ارتباط بیشتر و موثرتر مردم با سطوح بالاتر مدیریت شهری

۸. ترتیب جلسات گفتگوی عمومی در بین ساکنان محله برای ایجاد اعتماد متقابل بین ساکنین و مسولان

منابع

- ۱) احمدی، م، عندلیب، علیرضا، ماجدی، ح، سعیده زرآبادی، ز (۱۳۹۸)، تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری، دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴۹-۶۳.
- ۲) بوردیو، پیر (۱۳۸۶)، ابزار سرمایه اجتماعی، ترجمه؛ محمد آقایی، تهران، انتشارات اندیشه.
- ۳) بوردیو، پیر (۱۳۸۷)، بنیان‌های سرمایه اجتماعی، ترجمه؛ محسن اسدپور، تهران، انتشارات اندیشه.
- ۴) بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- ۵) بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه؛ مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- ۶) توسلی، غلامعباس؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظرات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۱-۳۲.
- ۷) جهانگیری، م، ح، مومنی، م، موسوی، م (۱۴۰۰)، رتبه‌بندی چندشاخصی راهکارهای تقویت مشارکت عمومی در حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی بر اساس الگوواره توسعه پایدار، اقتصاد و برنامه ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷۵-۸۲.

- ۸) سلیمی، فاطمه (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی در مدرسه، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۳.
- ۹) ساروخانی، باقر (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰) فتحی؛ سروش و مهرداد نوابخش (۱۳۹۳)، رشد و توسعه شهرنشینی، <http://rasekhoon.net>
- ۱۱) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه؛ افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- ۱۲) لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۶)، مدیریت شهری؛ تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
- ۱۳) میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
- ۱۴) موسوی، میرنجف؛ حیدری، حسن و باقری کشکولی؛ علی (۱۳۹۱)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده سردشت، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال چهارم، شماره پانزدهم
- ۱۵) نعمتی لیمایی، مه‌لقا (۱۳۸۹)، تبیین ارتقاء کیفی نوسازی شهری با اتکا بر نقش سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: بهشتی محله قائم‌شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، به راهنمایی دکتر مجتبی رفعیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۱۶) نوابخش، مهرداد (۱۳۹۲)، ضرورت احیاء سرمایه اجتماعی و توسعه فضاهای شهری مجله علمی-پژوهشی، مطالعات توسعه ایران، دوره ۵، شماره ۸.
- ۱۷) وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۵)، احکام اصلی طرح جامع تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- ۱۸) عنادلیب، علی رضا (۱۳۸۷)، نگاهی نو به راهبردها و سیاست های نوسازی بافت های فرسوده شهر تهران: نشری پور.
- ۱۹) جهانشاهی، محمدحسین (۱۳۸۲)، بافت های فرسوده و مشکل سازشهری، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۴.
- 20) Acedo, A, Oliveira, T, Naranjo-Zolotov, M, and Painho, M., (2019), Place and city: toward a geography of engagement, *Heliyon*, Vol 5, No 9: e02413.
- 21) Beumer, C., (2010), Social Cohesion in a Sustainable Urban Neighborhood, *Sustainable Urban Neighborhood, SUN Action 6, Theory Working*
- 22) Bouse, j. and wellman, B., (2005), *Personal relationships: on and off the hnternet university press.*
- 23) Koppenjan, E., (2017), Public participation experiences in urban infrastructure projects, *The academy of managment journal*, Vol 1, No 21.
- 24) Ikdavoos, (2018), investigating the social dialogue network and its outcome on the modernization of worn out tissue, No 21, *Australian Institute of Family Studies* .
- 25) perrer, T. L., (2015), Changes in small town social capital and civic engagement". *Journal of Rural Studies*, No 25, pp 185–193.
- 26) brokatoo, M., (2016), The relationship between tee impact of social-culturefactors on quality and satisfaction. *Journal of conflict resolution*, No 2, PP 170-183

Quarterly Journal of Urban Futurology

Volume 2, Number 3, Autumn 2022

PP: 93-112

**Investigating the role of cultural capital in the participation of citizens
in the reconstruction of the worn-out urban fabric
(Case Study: Gorgan-Gonbad)**

Hasan mirhosseini, PhD student in Sociology of Economy and Development, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Abolghasem Heidarabadi¹, Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Seyfollah farzaneh, Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

Received: 08 November 2022

Accepted: 24 January 2023

Abstract

Participation in the reconstruction of worn-out structures is influenced by various factors, of which cultural capital is one of the most important prerequisites. Cultural capital; It is a new concept that has attracted the attention of social science thinkers and especially sociologists during the last two decades. This capital may have various functions and consequences. In general, cultural capital is viewed as a collective good; because cultural capital, as a product of social and cultural relations, is beneficial and beneficial to others. In this way, it is not possible to limit the points of cultural capital. Participation in the renovation of worn-out fabric is influenced by various factors, of which cultural capital is one of the most important prerequisites. The current research aimed at investigating the role of cultural capital on citizens' participation in the renovation of the worn-out fabric of Gorgan-Gonbad seeks to answer this question, despite the emphasis on participation in renovation programs; is this participation weak in the desired context? The theoretical framework of the research is mainly based on Putnam's theories; Coleman and Bourdieu. Research method; Survey and data collection tool is a questionnaire. Sampling is done by cluster method and the sample size is 382 people from the residents of it. The findings show that cultural capital has had a positive effect on residents' participation in renovation projects. Objectified cultural capital index; institutionalized cultural capital; embodied cultural capital that became components; they have had the greatest impact on the residents' participation in the reconstruction of the worn-out fabric.

Keywords: Cultural Capital; Citizen Participation; Worn Texture, Gorgan.

DOI: [10.30495/uf.2023.1972289.1055](https://doi.org/10.30495/uf.2023.1972289.1055)

¹ - Corresponding author: Ashahin2000@yahoo.com